

از رسول تو و او روایت میکند از جبرئیل و او روایت
از حضرت تو میکند که فرموده که هر بنده او موی در مسلمان ^{سقط}
گردد او را با آن روز خنجر سوزانم ^{میر} حق سبحانه تعالی فرمود
که راست گفت جبرئیل و راست گفت رسول من و راست گفت
عایشه و راست گفت زهوی و راست گفت عائش و راست گفت
استاد و تو هم راست گفتی ^{نزدند} میرا فرمود تا ویرا سهشت
در روایتی دیگر هم بدین اسناد گفت تو فرموده که
نزد کمان بنده ام خودم ^{میر} من همیشه کمان می بردم که
بیا مزی و رحمت فرماید بر من ^{میر} حق تعالی فرمود تا ویرا
بیهشت اعلی برند ^{میر} اینست خاصیت علم اما تو یا خودی
بلکن که چون در آن حضرت ^{است} التبر حاضر خواهند کرد درین
عالم کسی عیش خوش چون باشد ^{میر} مرتبه علم بسیار نزدیک
و کسی قدام ایشان نماند **مصع** قدر دانا آن کسی دانند که علمش
تو خود فکر کن که وقت باشد که مسئله دست لاهد
که خلق عالم در تاریکی آن مانده باشند و چون آن مسئله

بر مفعی

۳۹۰
۱۸۰
بر مفعی عرض کنند و او جواب آن نوشت آن نور علم مردم را
بروشنایی یقین آورد ^{میر} تو فکری بلکن که کدام عمل بر آن
علم و بی برابری میکند و اگر جاهلی او را بیند که اگر بر کسی
شرعی کاری کند که مباح باشد در پی او افتد که علم را
عمل باید و ایشان بعلیم خود عمل میکنند و غافل باشند
و ندانند که عمل او علم باشد که یک مسئله جواب گوید ^{میر} آن
یک مسئله برابر باشد با طاعة هر روی رضی و جمع باشد
که مجرد طاعتی چند که کنند که مردمان ایشان را راهد و پارسا
گویند و معتقد ایشان باشند ^{میر} بر آن اعتقاد عوام ضایع
مغرور شود که خود را از همه علما بهتر دانند که اگر یک مسئله
از اصول یا فروع از او پرسند هم در مسئله اول در مانند
و عاجز شوند و بر آن عمل ناسره خود عجز آورند و با مریدان
خود غیبت علما کنند و حضرت رساله پیام **محمد صلی الله**
فرموده که گوشت علما زهرالودست که **میر **میر**
مشموم ۵ و در حدیث است که یکی از علما در ^{میر} فرمود**